

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۶، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۵۴ تا ۷۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

بررسی مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از انجام فعل زیان بار صغار و مجنون

| فهیمه ابراهیمی شکرانلو* | کارشناسی ارشد فقه و اصول اسلامی.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از انجام فعل زیان بار صغار و مجنون بوده است. در حقوق خصوصی، لزوم جبران خسارتی که به دیگری وارد آمده است، یکی از قواعد مسلم حقوقی می‌باشد. تا آنجا که در نظریه های جدید، به جای «حقوق مسئولیت» از «حقوق جبران خسارت» صحبت به میان می‌آید. همچنین، مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار محجورین و صغار بر اساس اقتضای عدالت و مصلحت جامعه همواره مورد عنایت قانون گذاران و حقوقدانان بوده است. روش تحقیق پژوهش حاضر ترکیبی از روش‌های توصیفی، اسنادی و تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در حقوق ایران مسئولیت صغار و مجانین به صراحت در قانون مدنی ماده ۱۲۱۶ پذیرفته شده است. بر اساس ماده مذکور، اگر صغیر یا مجنون مال متعلق به دیگری را تلف کند، ضمان بر عهده هر دو مستقر است. علاوه بر این، قانون مسئولیت مدنی هم، شخصی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر به طور قانونی یا بر طبق قرارداد به عهده او بوده است در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران خسارت شناخته است. بنابراین با عنایت به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت ناشی از آن، از مسئولیت واردکننده زیان مجزا و مستقل است و نشأت گرفته از تقصیر در نگهداری است؛ اما مسئولیت مطرح شده در ماده ۱۲۱۶ ق.م.ناشی از اتلافی است که در اثر فعل زیانبار محجور رخ داده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، مدنی، فعل زیان بار، صغار، مجنون.

مقدمه

مسئولیت در لغت، به معنی پرسش، مورد سؤال واقع شدن و در معنای لاتین مترادف عبارت قرار میگیرد (رضاپور، ۱۳۹۰). مسئولیت مدنی به تعهد و التزامی گفته می شود که فرد در جبران خسارت وارده به دیگری عهده دار است، چه زیان وارده ناشی از فعل شخص مسئول بوده و چه آنکه فعل اشخاص وابسته به او و یا نشأت گرفته از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف وی باشد. برای تحقق مسئولیت مدنی تجمیع ارکان ذیل ضروری است: ۱- ضرر ۲- عمل یا فعل ارتكابی ۳- رابطه علیت بین عمل و ضرر. با تحقق یافتن سه رکن مذکور، شخصی که مرتکب عمل بوده، مسئول زیان وارده به متضرر بوده و باید آن را جبران نماید. در عصر نوین و با توجه به اقتضات زندگی، جبران خسارت ناشی از افعال زیان آور محجورین بیش از پیش قانون گذاران و صاحب نظران و علمای حقوق را به خود جلب کرده است. (رضاپور، ۱۳۹۰). زیرا عدالت و انصاف اقتضا میکند که زیان وارده جبران و حتی به وسیله محجورین نیز بدون جبران نماند (حاجی و کریمی، ۱۳۹۴). ماده ۱۲۰۷ ق.م. به معرفی و تبیین محجورین پرداخته و مقرر میدارد: «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱- صغار ۲- اشخاص غیر رشید ۳- مجانین» ماده ۱۲۱۱ قانون مدنی اشاره دارد: «جنون در هر درجه ای که باشد موجب حجر است». با استناد به ماده ۱۲۱۶ ق.م که مقرر میدارد که: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است»، مبنای مسئولیت مدنی محجورین در این ماده قرار داده شده و مؤید این امر است که صغیر و مجنون در قوانین و نظام حقوقی ایران دارای مسئولیت مدنی میباشند. حسب مادهی یک قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت بر مبنای تقصیر استوار شده است. قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسیده و برخلاف قانون مدنی که مبتنی بر فقه امامیه میباشد این قانون کاملاً برگرفته شده از قوانین مشابه خارجی بوده است. در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر گردیده که: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که بهموجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه های وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». مسئولیت مدنی با عوامل صغر و جنون رفع نمیگردد، لذا ورود زیان از جانب محجور ضامن آور است. در مجموع قانون مسئولیت مدنی، تقصیر را اساس و مبنای مسئولیت مقرر نموده و این نظریه را مورد پذیرش قرار داده صراحتاً است. با این وجود در خصوص اتلاف میتوان براساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی به مسئولیت بدون تقصیر قائل گردید. لذا میتوان گفت: ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی عام و قاعده مربوط به اتلاف خاص می باشد و عام نمیتواند نسخ کننده خاص باشد. بنا به مطالب فوق الذکر، در حقوق داخلی تقصیر اساس و مبنای انحصاری مسئولیت نمیباشد اما تأثیری که در مسئولیت مدنی دارد غیر قابل انکار است. نقش تقصیر در مسئولیت هایی که بر تقصیر مبتنی است، شرط تحقق یافتن مسئولیت مدنی میباشد و در مسئولیت هایی که مطلق است، سبب میگردد تا کسی که بر او زیان وارد شده است روش دیگری برای اقامه دعوی برگزیند و در خصوص مسئولیت هایی که مقنن تقصیر خوانده را مفروض پنداشته

است، زیان‌دیده در اصل احتیاجی به اثبات تقصیر برای گرفتن خسارت نخواهد داشت (امینی، ۱۳۹۱). از آنجاکه زیست اجتماعی بشر دچار تحولات شگرفی گردیده است، نمیتوان بینایز به عدم مطالعه قوانین و حقوق کشورهای دیگر و نظام‌های حقوق آنها بود. برای همین مطالعه تطبیقی یکی از راهکارهای بسیار مهم و حیاتی در علم حقوق است. مطالعه تطبیقی افق‌های جدیدی را پیش روی محققان و اندیشمندان و قانونگذاران قرار میدهد. در ساختار مسئولیت مدنی در حقوق ایران میتوان دو مبنای اصلی را محور شناسایی قرارداد: نظریه مبتنی بر تقصیر - نظریه مبتنی بر عدم تقصیر. هرچند به اصولی مانند لاضرر، جبران خسارت وارده و اصولی همانند این نیز توجه شده است. در قوانین ایران، صغار و مجانین دارای مسئولیت جبران خسارت وارده میباشند و باید از اموال و داراییهای آنان پرداخته شود، در صورتیکه سرپرست مرتکب تقصیر گردد، مسئولیت جبران خسارت با وی است. در نظام حقوقی انگلستان اصلی‌ترین نظریه، مسئولیت مدنی ناشی از بی‌احتیاطی است اما در این نظریه فرد در مقابل همه مکلف و موظف به مراقبت از رفتار خود نیست. در نتیجه آثار بسیار متفاوتی بر آن بار میشود، اول آنکه باید بین فرد زیان‌زننده و زیان‌دیده نوعی رابطه و قرابت وجود داشته باشد دوم فعل ارتكابی از جمله افعال و رفتاری باشد که قابل پیشبینی بوده و نهایتاً شرطی که برای مراقبت گذاشته شده است متعارف و منصفانه باشد و دست قاضی با توجه به شرایط و مصالح باز باشد. (کالنان^۲، ۲۰۰۹) در واقع بی‌احتیاطی را باید به معنای عدم ایجاد تعادل بین منافع زیان‌دیده و سایر منافع یا ایجاد یک خطر غیر معقول (غیر متعارف) برای دیگری دانست که واردکننده زیان میتواندست و میبایست با انجام اقدامات پیشگیرانه از وقوع آن جلوگیری کند. در این معنی اگرچه شخص بی‌احتیاط مرتکب تقصیر شده اما تقصیر او خفیفتر از تقصیر کسی است که عامدانه یا با علم به ورود زیان به دیگری، دست به عملی میزند (سیمونز^۳، ۲۰۰۲). لذا این تحقیق به بررسی مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از انجام فعل زیان بار صغار و مجنون پرداخته است.

مسئولیت صغیر و مجنون در حقوق اسلامی و قانون مدنی

در فقه اسلامی و قانون مدنی، از آنجاکه اصولاً نظریه مسئولیت عینی یا نظریه خطر پذیرفته شده است، مسئولیت مدنی صغیر (اعم از غیر ممیز و ممیز) و مجنون، بدون تفکیک بین اتلاف به مباشرت و اتلاف به سبب، مورد قبول قرار گرفته است. مخصوصاً فقهای اسلامی اعلام کرده‌اند که در احکام وضعی مانند دیات و ضمان ناشی از غضب و اتلاف بلوغ و عقل شرط نیست. و به تعبیر دیگر گفته‌اند حجر بر صبی در اسباب فعلیه مؤثر نیست و منحصر به اسباب قولیه یعنی عقود و ایقاعات است. مثال قانون مدنی هم به تبعیت از فقه اسلامی صغیر و مجنون را مسئول اعمال زیان‌آور خود شناخته و در ماده ۱۲۱۶ چنین مقرر داشته است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است». این ماده هم اتلاف به مباشرت و هم تسبیب را شامل و با

² Calnan

³ Simons

مبنایی که در فقه اسلامی و قانون مدنی برای مسئولیت پذیرفته شده سازگار است. به نظر میرسد که قاعده لاضرر به طور کلی ضرر را منتفی میداند، اعم از اینکه عمدی باشد یا غیرعمدی. بر مبنای این قاعده، مهم ایراد ضرر میباشد و احتیاجی به احراز تقصیر عامل زیان نیست. در نهایت اینکه نظام مسئولیت و فقه بر لاضرر و لاضرار مبتنی میباشد نه تقصیر و یا تضمین و یا مسئولیت محض (پیروز و پژومان، ۱۳۹۲: ۲۲). از جمله مواردی که ایرادات جدی در انطباق احکام و رویکرد فقهی با منطقی مسئولیت مدنی جدید به نظر میرسد، تقسیمات فعل زیانبار در حقوق جدید ایران است. معمول حقوقدانان تفکیک به کار رفته در فقه و قوانین در مورد اتلاف و تسبیب را در راستای تقسیمات فعل زیانبار در حقوق جدید لحاظ کرده و بر همین اساس به استخراج احکام پرداخته‌اند. برای درک بهتر به اهمیت مسائل مرتبط به ضمان و مسئولیت مدنی در فقه، مبیایست به این امر توجه کنیم که فقه اسلامی به دو مؤلفه‌ی مال و جسم مشابه در نظر میگیرد و طبق اصل «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» و «مال المسلم كدمه حرام» در حفاظت و نگهداری از حقوق مالی به همان درجه تلاش میکند که برای حفظ جسم بشر کوشش میکند. یکی از ابعاد این قسم از مسئولیت، شناسایی اشخاص مسئول جبران خسارت صرفنظر از موضوع ضرر است. (حاجی عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴: ۱۳). جمله معروفی در فقه با این مضمون وجود دارد که؛ حجر صغیر، مجنون و سفیه در افعال فعلیه تأثیر ندارد اما تأثیر آن در اسباب و افعال قولیه همچون عقود و ایقاعات و آنچه نیاز به گفتن صیغه دارد و در آنها قصد و رضا شرط میباشد، ثابت میباشد (شهید اول، ۱۳۷۲: ۱۱۶).

همانطور که ملاحظه شد با اظهار تأسف از آن موضع حمایتی واقع در افعال قولیه، در افعال فعلیه اثری نیست و این در صورتی است که محجورین به خصوص صغیر غیرممیز و مجانین با افراد عادی و متعارف جامعه تفاوت داشته و متوجه اعمال و رفتار خود و همچنین نتایج آن نمی‌باشند. از مقیاس‌ها و معیارهای مطرح در نهاد مسئولیت مدنی و در باب توجیه ضرر، رفتار یک انسان عادی و متعارف است؛ در صورتی اشخاص فاقد اهلیت همچون صغار، مجانین و اشخاص غیر رشید (از انسان‌های متعارف به شمار نمیروند. پاسخ به این پرسش که آیا اساساً اهلیت بر ضمان و مسئولیت مدنی مؤثر است یا خیر؟ وضعیت موجود ضمان قهری محجورین مطلق را در ساختار فقهی و بالتبع ساختار حقوقی مقتبس از فقه نشان خواهد داد. لازم به ذکر است که مفهوم محجور مطلق، در مقابل مفهوم محجور نسبی قرار میگیرد که صغار غیر ممیز و مجانین محجورین مطلق و صغار ممیز و اشخاص غیر رشید محجورین نسبی تلقی میشوند. فقه به حجر و وضعیت خاص محجورین مطلق در باب ضمان قهری بی تفاوت نبوده است، ولی از نظر فقها، جبران خسارت زیان- دیده در اولویت بیشتری قرار دارد. لذا گاه مسئولیت را از دوش آنها برمی‌دارد و آنها را معاف می‌سازد، ولی عموماً آنها همچون بالغین مسئول شناخته میشوند و مکلف به جبران آن میباشند (حاجی عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴: ۱۵).

در حقوق ایران نیز، مسئولیت مدنی محجورین همواره یکی از موضوعات بحثبرانگیز بود، چراکه به علت تعارضاتی که در قانون مدنی با قانون مسئولیت مدنی به دلیل ناهمگونی‌هایی که در منابع

اولیه حقوقی آنها وجود دارد همواره نحوه میدان خسارت ناشی از فعل محجورین با مشکلاتی روبرو بوده است. با توجه به ماده هفت ق.م.م مسئولیت عنوان شده در این ماده از مسئولیت واردکننده زیان جدا و مجزا است و برگرفته از تقصیر در نگهداری است؛ اما مسئولیت مطرح شده در ماده ۱۲۱۶ ق.م ناشی از اتلافی است که در اثر فعل زیانبار محجور رخ داده است. به نظر میرسد قانونگذار برای اینکه خسارت ناشی از فعل محجور بدون جبران باقی نماند به ممزوج کردن دو مسئولیت متفاوت با هم روی آورده است. اما این روی کرد خود باعث بروز مشکلات دیگری میشود و بازهم در مواردی با عدم امکان بالفعل جبران خسارت مواجه میشویم. به نظر میرسد میتوان گفت اجباری شدن بیمه مسئولیت برای سرپرستان میتواند راه حل مناسبی برای جبران خسارت ناشی از فعل محجور باشد (میرزایی، ۱۳۹۴: ۴۳). حقوق جدید ایران - قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، در مجموع مبنای مسئولیت را تقصیر دانسته و این نظریه را صراحتاً پذیرفته است (ماده ۱ قانون مذکور) با این وجود در خصوص اتلاف میتوان براساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی به مسئولیت عینی (بدون تقصیر) قائل گردید. به دیگر سخن میتوان گفت: ماده ۱ ق.م.م عام و قاعده راجع به اتلاف خاص است و عام نمیتواند ناسخ خاص باشد. در هر صورت، قانون مسئولیت مدنی، صغیر (اعم از ممیز و غیرممیز) و نیز مجنون را در وهله‌ی دوم مسئول ضررهای ناشی از اعمال خود دانسته است. ماده ۷ قانون مذکور بعد از اعلام مسئولیت سرپرست صغیر و مجنون در بند دوم چنین مقرر داشته است: «و در صورتیکه استطاعت جبران تمام و یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد... این قاعده، علاوه بر اینکه برخلاف اصل مسئولیت شخصی و نظریه تقصیر (به مفهوم شخصی) است. یک نوع مسئولیت تضامنی برقرار کرده که این خود خلاف اصل میباشد؛ چون در مقابل زیان‌دیده دو نفر مسئول معرفی شده اند: یکی سرپرست مجنون یا صغیر و دیگر خود محجور. نتیجه، مسئولیت محجور به شکل معلق است و زیان‌دیده در حالی میتواند از مال او جبران زیان را بخواهد که سرپرست او استطاعت جبران کلیه یا جزئی از ضرر وارده را نداشته باشد. بنابراین، به نظر میرسد چنانچه طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، ضرر از مال صغیر یا مجنون جبران شود، او بتواند آن را از سرپرست درخواست کند. نکته دیگری که در ماده ۷ قابل تأمل است، قسمت آخر این ماده میباشد که مقرر داشته: «در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی باشد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نگردد. در این مورد هم باید گفت: زیان ساقط نمیگردد و زیان‌دیده باید منتظر رفع عسرت جبران‌کننده بماند و در هنگام ملائت، خسارتی را که جبران نشده، از او مطالبه کند (پرون، ۱۳۹۷: ۱۵). سؤال مطرح در اینجا این است که چنانچه مجنون یا صغیر، بی آنکه سرپرست، کوتاهی در مراقبت و نگهداری کرده باشد، ضرری به غیر بزنند و براساس ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی ناگزیر از جبران خسارت باشند، بازهم بند آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی قابل اجرا میباشد یا اینکه منع از تنگدستی جبران‌کننده ضرر، به موردی اختصاص دارد که براساس ماده مذکور (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) صغیر یا مجنون ناچار از جبران خسارت ناشی از کوتاهی و تقصیر ولی و سرپرست خود میشود. چنانچه فلسفه بند آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، منع از عسرت و

تنگدستی جبران‌کننده ضرر باشد، فرقی ندارد که این ضرر را صغیر یا مجنون به طور شخصی جبران نماید یا به قائممقامی از ولی جبران شود؛ در هر دو حالت، تنگدستی می‌بایست مانع جبران خسارت گردد. به نظر می‌رسد این حکم را به کلیه مواردی که شخص ناچار از جبران زیان می‌گردد بتوان توسعه داد. موضوعی که از دید آیین دادرسی در خصوص ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی باقی میماند، این است که آیا متحمل زیان می‌بایست دعوای خود را به طرفیت سرپرست و مجنون یا صغیر به طور اجتماع مطرح نماید یا اینکه صرفاً سرپرست را طرف دعوا قرار دهد و اگر نتواند حکم را علیه او اجرا نماید، از اموال صغیر یا مجنون به دست می‌آورد. ایراد این فرض این می‌باشد که حکمی را علیه صغیر یا مجنون اجرا می‌کنیم که آنها نسبت به آن دفاع ننموده‌اند. البته چنانچه سرپرست، نمایندگی قانونی صغیر یا مجنون را هم داشته باشد، همچون ولی، وصی یا قیم، این اشکال منتفی است، اما در صورتیکه سرپرست فقط مسئول نگهداری باشد و نمایندگی قانونی نداشته باشد، همچون تیمارستان، مهدکودک، مربی ورزش و امثال آن، اشکال همچنان باقی است. در اینگونه موارد بهتر است از ابتدای سرپرست و مجنون و صغیر با هم طرف دعوا قرار گیرند تا امکان دفاع برای همگی آنان باشد. در صورتیکه حکم بدون دخالت نماینده قانونی صغیر یا مجنون صادر شود، آنان حق اعتراض نسبت به آن حکم را به عنوان شخص ثالث خواهند داشت (همان، ص ۲۷).

حال فرض کنیم که صغیر یا مجنون بی‌آنکه سرپرست او مرتکب تقصیری شده باشد، زبانی به دیگری وارد کند، چنانکه دیوانه از تیمارستان یا منزل، با اینکه مراقبت کافی از او میشده فرار کند و مال دیگری را تلف نماید، یا صغیری که پدر و مادرش در تربیت او نهایت کوشش را بکار برده و وظایف خود را درباره او به نحو احسن انجام داده‌اند، به گونه‌ای غیرقابل پیشبینی، با دوچرخه یا اسباب بازی خود شخصی را مجروح کند. در اینگونه موارد، آیا خود محجور را میتوان مسئول شناخت؟ همچنین در موردی که محجور سرپرست قانونی نداشته و شخصی که برحسب قانون یا قرارداد مکلف به نگهداری او باشد وجود نداشته باشد، چنانکه ولی قهری، بدون تعیین وصی فوت کرده و برای محجور نیز قیم تعیین نشده باشد، مسئولیت اعمال زیان‌آور محجور به عهده کیست؟ م.ق.م. نسبت به این موارد ساکت است. لیکن برابر ماده ۱۲۱۶ ق.م. میتوان گفت مسئولیت به عهده خود محجور است و زیان‌دیده میتواند از مال او دریافت خسارت کند و اگر مالی نداشته باشد، زیان‌دیده میتواند صبر کند و پس از توانگر شدن او جبران خسارت را مطالبه نماید. با این وجود با عنایت به مضمون قانون مسئولیت مدنی و نظریه تقصیر که در آن مورد قبول واقع شده، می‌بایست گفت محجور وقتی مسئول است که فعل او نامشروع باشد. این عدم مشروعیت در خصوص صغیر غیر ممیز و مجنون بدین مفهوم است که فعل ذاتاً و نوعاً نامشروع و قابل سرزنش است. در حقیقت نمیتوان محجور را به دلیل ارتکاب فعلی که به طور نوعی و ذاتی نامشروع و قابل سرزنش نمیباشد و حتی شخص کبیر و عاقل میتواند آن را انجام دهد، مسئول دانست. مسئولیت محجور غیر ممیز نباید شدیدتر از مسئولیت کبیر و عاقل باشد. وانگهی هنگامی که فعل مشروع است میتوان گفت ضرر مستند به محجور نمیباشد و رابطه سببیت عرفی وجود ندارد اگر صغیر غیر ممیز که مثلاً به

طور متعارف دوچرخه سواری میکند به علت نامعلومی که قابلیت تشخیص و پیشبینی نبوده دوچرخه اش بشکند و کنترل دوچرخه از دستش خارج میشود و به دیگری اصابت کند و به او آسیب برساند، میتوان گفت خسارت مستند به فعل صغیر نیست. بنابراین عمل زیان آور صغیر غیرممیز هنگامی موجب مسئولیت اوست که اگر از شخص غیر محجوری سر میزد تقصیر محسوب میشود.

مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار صغار و مجانبین

مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار محجورین همواره مورد عنایت قانونگذاران و حقوقدانان بوده است، زیرا عدالت، انصاف و مصلحت اجتماعی اقتضا می کند که زیان وارده به وسیله محجورین نیز همچون زیان وارده توسط اشخاص دارای اهلیت جبران شود و هیچ زبانی بدون جبران باقی نماند. به دلیل ناکافی بودن و ضعف قدرت نظارتی والدین و سرپرستان بر اعمال محجورین به ویژه مجانبین و نیز به دلیل افزایش تألمات و ناگواریها و ناهنجاریهای روحی - روانی در عصر حاضر، جبران خسارات ناشی از اعمال زیان آور آنان اهمیت موضوع را فزونی بخشیده است. از آنجا که مسئولیت مدنی قائم به وجود عنصر عمد نبوده و عقل و بلوغ در تحقق ضمان شرط نیست، لذا در قانون مدنی برای محجورین مسئولیت در نظر گرفته شده است. در برخی نظام های حقوقی مانند کامن لا، مسئولیت محجورین و سرپرستان ایشان تابع مقررات عام قانون مدنی است و قواعد خاصی در این زمینه وجود ندارد، اما در حقوق ایران گرچه مسئولیت محجورین صراحتاً در قانون مدنی ماده ۱۲۱۶ که ریشه در حقوق اسلامی دارد و فقه، چه امامیه و چه عامه، اگر صغیر یا مجنون مال متعلق به دیگری را تلف کند، ضمان بر عهده هر دو مستقر است. به سبب اینکه ضمان از احکام وضعیه بوده که شامل همگان می شود لذا عقل و بلوغ در آن شرط نیست. اما با تصویب قانون مسئولیت مدنی، کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران خسارت است. (ماده ۷ ق.م.م) این ماده از قانون مدنی آلمان اقتباس شده و بر مبنای تقصیر استوار است.

گفتار اول: ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی و تأکید بر اصل

قانون مدنی ایران مسؤولیت بیمار ذهنی را در جایی که بتوان وی را عرفاً سبب ورود خسارت دانست، می پذیرد. قانون مسؤولیت مدنی با هدف کاستن از شدت حکم ماده ۱۲۱۶ ق.م. و در راستای اصول حاکم بر آن قانون، در ماده هفت خود والدین و سرپرست چنین اشخاصی را در صورت ارتکاب تقصیر، مسؤول فعل زیانبار بیماران ذهنی می داند. در این ماده «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد». در این ماده مبنای سرپرستی دو مورد بیان شده است.

نخست، سرپرستی به موجب حکم قانون، که آن را «سرپرستی قانونی» نامید. دوم، سرپرستی مطابق قرارداد که می توان از آن به عنوان «سرپرستی قراردادی» یاد کرد. به این دو مورد می توان دسته سوم را نیز افزود. ممکن است افرادی به طور داوطلبانه و خارج از حکم قانون و بدون انعقاد قراردادی به طور دائم یا موقت، نگهداری از فرد فاقد تمیزی را عهده دار شوند. نوع اخیر را می توان سرپرستی داوطلبانه نامید (صفایی، ۱۳۷۵: ۲۴۰).

گفتار دوم: ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی

مطابق ماده ۱۲۱۶ ق.م.خطای غیر عمد، به فرد دچار اختلال ذهنی شدید قابل انتساب است. بنابراین می توان گفت که هرگاه بیمار ذهنی، مرتکب خطایی شود که اگر آن را فردی سالم و سلیم العقل انجام می داد، به منزله خطای عمد تلقی می شد؛ نمی توان آثار چنین خطاهایی را نسبت به او اعمال نمود. قانون مدنی ایران مسئولیت بیمار ذهنی را در جایی که بتوان وی را عرفاً سبب ورود خسارت دانست، می پذیرد (برومند، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

گفتار سوم: قانون مدنی و اصل مسئولیت مجانبین

قانون مدنی ایران در ماده ۱۲۱۶ خود چنین اعلام می دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است». قانون مدنی ایران مانند قانون مدنی فرانسه، مساله مسئولیت مدنی بیماران ذهنی را در موارد مربوط به الزامات خارج از قرارداد نیاورده است. بلکه در کتاب دهم در حجر و قیمومت در فصلی که اصولاً باید از حقوق چنین افرادی دفاع شود، ضامن آنان را مطرح می کند. حال باید دید که چه نوع مسولیتی مدنظر این ماده است و به عبارت دیگر مینا و قلمرو ماده مزبور چیست؟

بند اول-فروض مختلف در خصوص ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی

به هر روی، فراخور آنکه در الزامات خارج از قرارداد قائل به چه مبنایی باشیم، فروض مختلفی در خصوص ماده ۱۲۱۶ ق.م. قابل تصور است (برومند، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

۱- در اتلاف و تسبیب، خطا، فاقد هرگونه تأثیر است. بنابر این نظر، ماده ۱۲۱۶ هم ناظر بر اتلاف است و هم ناظر بر تسبیب و مطابق قاعده است. چرا که در فقه و حقوق ایران مسئولیت نوعی است و صرفنظر از شخص عامل ورود خسارت و ارتکاب تقصیری از سوی او زبان باید جبران گردد و دیگر نوبت به مباحث در خصوص مسئولیت نوعی یا شخصی نخواهد رسید (خورشید، ۱۳۸۷: ۱۴).

۲- ضامن ناشی از اتلاف، بدون تقصیر بوده ولی مسئولیت ناشی از تسبیب شخصی و مبتنی بر خطا است. این دیدگاه که از سوی اکثر نویسندگان حقوق ایران مورد پذیرش قرار گرفته است، فراخور آنکه طرفدار مفهومی نوعی یا شخصی از تقصیر باشیم، منجر به دو تفسیر مختلف از ماده ۱۲۱۶ خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۴۱۰، قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۴۶).

بند دوم- بررسی تفاسیر ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی

نخست، آنان که طرفدار مفهوم شخصی از تقصیر هستند و ارتکاب هرگونه خطایی از سوی بیمار ذهنی را ناممکن می دانند، برآنند که ماده ۱۲۱۶ تنها ناظر بر اتلاف است و تسبیب از شمول آن خارج می گردد. بدین سان در صورت ایراد زیان بالمباشره از سوی بیمار ذهنی، وی ضامن خواهد بود. ولی اگر زمینه بروز خسارت را فراهم آورد و به عبارت دیگر به تسبیب باعث زیان شود مسؤولیتی نخواهد داشت. از نظر اینان شمول ماده ۱۲۱۶ نسبت به اتلاف و تسبیب ناعادلانه، غیرمنطقی و برخلاف اصل است. زیرا در حالی که قانون مدنی در مورد زیان های غیر مستقیم شخص عاقل، ارتکاب تقصیر را شرط مسؤولیت قرار داده، هنگامی که اینگونه زیان ها به وسیله صغیر یا مجنون وارد شده باشد، عامل زیان بدون تقصیر را مسؤول شناخته و به تعبیر دیگر درباره او سختگیری تر شده است (صفایی، ۱۳۷۵: ۲۴۹). دوم، کسانی که از نظریه تقصیر نوعی جانبداری می کنند معتقدند که مفاد ماده مزبور هم شامل اتلاف است و هم تسبیب. زیرا در ارزیابی تقصیر شرایط داخلی عامل ورود خسارت لحاظ نمی گردد و اینکه وارد کننده زیان، کودک یا بزرگسال و یا بیمار ذهنی یا فردی سلیم العقل باشد، در ارزیابی تقصیر دخیل نیست. از این رو کسی که تحت اختلال ذهنی به دیگران آسیبی می رساند می تواند مرتکب خطا شود و رفتار او با انسانی متعارف در همان اوضاع و احوال خارجی قیاس می شود. در نتیجه، اگر مجنون به طور مستقیم باعث تلف مالی شود، به صرف احراز رابطه سببیت مادی میان فعل او و زیان حاصل، ضامن است. اما اگر به طور غیر مستقیم سبب ورود خسارت به غیر گردد، رفتار او با رفتار انسانی معقول و محتاط در همان اوضاع و احوال سنجیده می شود و اگر عملکردی مغایر با این الگو داشت، مقصر خواهد بود و عهده دار جبران خسارت است (قائم مقامی، ۱۳۴۷: ۲۱۱). به نظر می رسد که در حقوق ایران، دیدگاه اخیر از استحکام و نیروی استدلال بیشتری برخوردار است. باید گفت که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، نظر بر آن داشته که بگوید عدم قابلیت تمیز کودک بسیار کوچک (صغیر غیرممیز) و بیمار ذهنی، تأثیری در ضمان آنها نخواهد داشت و این ماده در پی یکسان انگاشتن مسؤولیت مدنی این افراد با انسان های عادی بوده است. به عبارت بهتر، حکم این ماده ناظر بر آن است که قابلیت انتساب معنوی را از شروط مسؤولیت حذف کند؛ خواه مسؤولیت شخصی باشد خواه نوعی. این نزاع که مسؤولیت مدنی در حقوق ایران در اتلاف و تسبیب نوعی است یا آنکه در تسبیب مبتنی بر تقصیر است، تأثیری در مفاد ماده ۱۲۱۶ ق.م. نخواهد گذاشت. ماده مزبور، یکی از دلایل مهمی است که اگر تقصیر را به عنوان مبنای در حقوق مدنی بپذیریم، چنین خطایی مفهومی شخصی نخواهد داشت. به هر روی، در خصوص مبنای ماده ۱۲۱۶ باید گفت: این ماده هم ناظر مسؤولیت های مبتنی بر تقصیر است و هم مسؤولیت های محض و نوعی را در بر می گیرد. هرگاه بیمار ذهنی، خسارتی را به دیگری وارد آورد مسؤول خواهد بود، این مسؤولیت هم شامل اتلاف است هم شامل حوادث ناشی از رانندگی و هم ضمان ناشی از تسبیب.

با وجود این، آنچه گفته شد گویای تمامی حقیقت نیست. (برومند، ۱۳۹۵: ۱۶۷). اگر در قانون مدنی ما تنها ماده ۱۲۱۶ وجود می داشت، پذیرش این دیدگاه آسان بود و با منطبق حقوقی

سازگاری داشت. اما چنان که دیدیم، هرگاه فعل شخص دچار اختلال ذهنی یا کودک با عمل انسان عاقل همراه گردد، عرف، فرد اخیر را مسؤول می‌داند. هرچند در سلسله علل، فعل او نسبت به عمل فرد محجور دورتر باشد. بنابراین، به خوبی دیده می‌شود که در فقه و قانون مدنی ما، مبنای مسئولیت محجورین در اجتماع اسباب متفاوت است و نمی‌توان مفهوم مسئولیت شخصی مبتنی بر تقصیر نوعی را در این فرض اعمال نمود. چنان که می‌دانیم در تقصیر نوعی و اجتماعی، شرایط درونی فرد لحاظ نمی‌شود. قاضی به این مسأله توجه نمی‌کند که وارد کننده زیان، دارای معلولیت ذهنی بوده یا خیر و یا صغیر بوده یا خیر؛ زیرا او تنها به ورود خسارت توجه دارد. قاضی در جایگاهی است که با چشمی به زیان دیده می‌نگرد و با چشمی دیگر به الگوی انسان متعارف. پس اگر صغیر یا مجنون با همکاری انسان عاقلی خسارتی را به دیگری وارد کند با آنها همانند سایر عاملان رفتار خواهد شد و بر حسب تأثیر مادی آنها در وقوع خسارت، یا خسارت را بین آنها تقسیم می‌کند و یا حکم بر براءت یکی و مسئولیت دیگری می‌دهد. در حالی که در حقوق ایران اینگونه نیست. علاوه بر حکم ماده ۱۲۱۶ ق.م. حکم ماده ۱۲۱۵ ق.م. نیز در مقابل ما قرار دارد و قاعده سبب اقوی از مباشر اصلی است انکارناپذیر؛ و بی تردید در موردی که فرد محجوری با همکاری انسانی عاقل خساراتی به دیگری وارد آورده، شرایط ذهنی و درونی عامل ورود خسارت لحاظ می‌گردد (سپهوند، ۱۳۵۳: ۳۶).

این سخن در صورتی صادق است که عدم قابلیت انتساب معنوی در قلمروی تقصیر انگاشته شود. اما به نظر می‌رسد که در حقوق اسلام و ایران جنون و صغر موجب عدم امکان انتساب فعل به عامل در اجتماع اسباب می‌شود. زیرا در جایی که بیمار ذهنی مباشر، و فردی عاقل و آگاه از وضعیت جنون او، سبب باشد، فعل زیانبار به مجنون غیر قابل انتساب است و بحثی از تقصیر به میان نیست. شاید بتوان گفت داوری عرف که ملاک انتساب رابطه سببیت میان زیان حاصل و فعل وارد کننده زیان است، آنجا که عامل ورود خسارت، دچار اختلال و ضعف شدید ذهنی است، به گونه ای می‌باشد که اگر وی مستقلاً موجب بروز خساراتی شده باشد، ضمن آنکه ارتکاب تقصیر از جانب چنین اشخاصی را غیرقابل پذیرش می‌داند، جهت جبران خسارت زیان دیدگان با آنان رفتاری مشابه با اشخاص عادی داشته و همان معیاری که نسبت به آنها اعمال می‌شود، در مورد اینان نیز به کار می‌برد. چرا که از دید عرف، صرف احراز رابطه سببیت مادی جهت مسؤول دانستن مجنون، خلاف انصاف بوده و تحمیل باری سنگین تر بر دوش چنین افرادی است. اما اگر فردی عاقل نیز با فرض آگاهی از جنون در بروز خسارت دخالت کرده باشد، عرف او را مسؤول می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۶۵). به نظر می‌رسد، علی‌رغم نظام کلی مسئولیت مدنی ایران، مسئولیت صغیر غیرممیز و مجنون مبتنی بر تقصیر نبوده و داوری عرف، تقصیری را به فرد فاقد تمیز منسوب نمی‌کند. اما به منظور شناخت مسؤول در جایی که عامل دچار بیمار ذهنی به تسبیب خساراتی را به دیگری وارد می‌کند، همان معیار و ضابطه ای که در قاعده کلی به کار می‌رود در اینجا صرفاً به عنوان روشی جهت شناخت مسؤول اعمال می‌شود. (رفتار انسان متعارف). (برومند، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

مبحث دوم - شناسایی راهکارهای توزیع ضرر در مسئولیت مدنی

گفتار اول - توجه به وضعیت واردکننده زیان

«اصل جبران کامل خسارت» که از بنیادین‌ترین اصول در مسئولیت مدنی است، به موجب قوانین برخی از کشورها و نظام های حقوقی تعدیل یافته و با هدف منصفانه کردن و تعدیل قواعد مسئولیت مدنی از این اصل کلی فاصله گرفته است. عدالت در نظریه عدالت اصلاحی اقتضا دارد تا زیان دیده به وضعیت قبل از ورود زیان برگردانده شود، اما در حقوق برخی از کشورها قوانینی وجود دارد که بر مبنای اتصاف و ملاحظات مربوط به عدالت توزیعی به قاضی اجازه می‌دهد تا با توجه به نوع و درجه تقصیر، سن، عقل، وضعیت روحی، روانی و ... واردکننده زیان اثر مسئولیت مدنی را تعدیل نماید (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۲۵). در حقوق ایران هر چند مراتب فوق به صراحت به رشته تحریر مقتن در نیامده است، اما با نگاهی به برخی از قوانین موجود شاید بتوان حقوق ایران را به این دیدگاه نزدیک دانست. ماده ۲۷۷ ق.م. اشعار می‌دارد:

«متعهد نمیتواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید، ولی حاکم میتواند نظر به وضعیت مدیون، مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد». (حاجی عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۰) ماده مذکور در مبحث مربوط به وفایب همعهد از فصل ششم قانون مدنی آمده است. تعهد مندرج در ماده هم شامل تعهدات قراردادی است و هم دربردارنده تعهدات غیر قراردادی. مطابق آن، با فراهمبودن شرایط ایفای تعهد، متعهد نمیتواند شرایط خاصی را بر متعهدله تحمیل سازد. برای مثال او را به پذیرش بخشی از دین وادار کند. اما قانونگذار دست قاضی را باز گذاشته تا نسبت به ایفای دین، با توجه به اوضاع و احوال مدیون، مهلتی به وی بدهد، یا آنکه بازپرداخت دین را تقسیط کند. ضروری است قضات هنگامی که خواننده دعوا، شخص فاقد تمیز است، وضعیت خاص وی را در نظر گیرند و به منظور کاهش بار تعهد مدتی را برای ایفای آن در اختیار چنین اشخاصی قرار دهند. نیک میدانیم که مفاد این ماده، راجع به وضعیت مالی مدیون بوده و قوه تمیز او مدنظر قانونگذار نبوده است. از لحاظ شکلی نیز نیازی به آن نیست که خواننده جهت اثبات تهی دستی خویش، دادخواست اعسار تقدیم دادگاه کند؛ زیرا احتمال دارد مدیون معسر نباشد و ضرورت‌های دیگری، اعطای مهلت عادلانه یا قرار اقساط را ایجاب نماید. اصولاً این مسأله، اختیاری است که قانونگذار به قاضی اعطا کرده تا با ارزیابی وضعیت مالی متعهد و احراز تنگناهای مالی او، امکانی جهت ایفای تعهد برایش فراهم آورد و خارج از مبحث اعسار قرار می‌گیرد. (حاجی عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۰-۲۱). با این حال باید گفت که ماده موردنظر، ما را برای نیل به هدف مذکور که همان توجه به وضعیت واردکننده زیان در خصوص اصل تعدیل جبران خسارت است، یاری نمیرساند، اما نکته قابل توجه ذکر واژه «نظر به وضعیت مدیون» در ماده مذکور است. بدیهی است با وجود این نوع دیدگاه، در نظر قانونگذار میتوان امید داشت مقتن، اصل تعدیل جبران خسارت در خصوص این اشخاص را بپذیرد. علاوه بر قانون مدنی، قانونگذار در بند دوم ماده ۴ ق.م.م. به گونه‌ای به موضوع این بحث اشاره کرده است. این ماده اینگونه بیان می‌دارد: «دادگاه میتواند میزان خسارات

را در موارد زیر تخفیف دهد: ... ۲- هرگاه خسارت ناشی از غفلی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود...»

گفتار دوم- ملحوظ داشتن

وضعیت زیان‌دیده در خصوص اختیار تخفیف میزان خسارت از سوی قاضی در بند سوم ماده ۴ ق.م.م.آ آمده است: «... ۳- وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء ... وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.» گاه کسانی با علم به جنون شخص، با آزار صغار و مجانین موجب تشدید وضعیت آنها شده و با گفتن سخنان یا به کارگیری رفتارهایی، موجب تحریک و عصبی شدن آنها میشوند و در نتیجه، باعث ورود خسارت از جانب شخص محجور میگرددند. در اینجا نیز عدالت اقتضا میکند که زیان‌دیده را محق ندانسته و واردکننده زیان را مسئول جبران خسارت ندانیم. (حاجی عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۱).

گفتار سوم- توجه به وضعیت اشخاص ثالث

در رابطه خصوصی ایجادشده بر اثر رفتار زیانبار، اصولاً زیان‌دیده و واردکننده زیان، محور توجه قاضی میباشند. در حالی که میتوان با دخالت وضعیت اشخاص ثالث نسبت به تعدیل خسارت و جبران آن اقدام نمود، البته به این دیدگاه در قانون مسئولیت مدنی نیز اشاره شده است. به‌نحویکه در انتهای ماده ۷ ق.م.م.آ آمده است: «و در هر صورت جبران زیان باید به‌نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبرانکننده زیان نباشد». بدیهی است در اینجا منظور از جبرانکننده، شخص ثالث است که باید علاوه بر توانایی لازم جهت امرارمعاش خود امکان جبران خسارت را داشته باشد تا آنگاه عدم عسرت و تنگدستی مصداق پیدا نماید. با ذکر این مثال، در مواردیکه اشخاصی به جز واردکنندگان زیان (محجورین) مسئول جبران خسارت از ناحیه ایشان میباشند، ضروری مینماید قاضی با توجه به اینکه اساساً مسئولین پرداخت، مرتکب رفتار زیانبار نشده اند (هر چند تا حدی مرتکب تقصیر شده اند) نسبت به وضعیت آنها میزان خسارت را تعدیل نماید. در خصوص موارد فوقالذکر نقش قضات بسیار مؤثر است، لذا ضروری مینماید با توجه به اختیارات آنان در اعمال و اجرای قانون، رویه ای قضایی از سوی ایشان نسبت به موضوع ایجاد گردد. (حاجی عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۱). بهن ظر میرسد، باید ضمان عاقله را گسترش داده و آن را در خصوص صغار غیرممیز و مجانین، شامل کلیه زیان‌ها اعم از جانی و مالی دانست و دولت را عهده‌دار تصدی آن گرداند. وفق قانون مجازات اسلامی در مواردی وقتی جانی، عاقله‌ای نداشته یا عاقله وی به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر پردازد و مرتکب نیز مکنت نداشته باشد، دولت (بیت‌المال) عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود (ر.ک ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی). در نتیجه، مجنون و صغیر در صورت عدم مکنت مسئول بازپرداخت دیه انگاشته نمیشود (ر.ک ماده ۲۹۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی). لذا باید پرداخت را در تأسیس صندوقی جهت تأمین خسارات ناشی از افعال زیانبار اشخاص دچار جنون یا صغیر جستجو کرد و دولت از طریق درآمدهای جاری

سهم آنان را تأمین کند. تأسیس چنین نهادی میتواند از انتقاداتی که نسبت به نهاد عاقله صورت گرفته، به دور باشد (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰: ۵۱). این مسأله‌ای نیست که در قوانین کشور بیگانه باشد. آنچه میتواند ما را در این مسیر یاری دهد، تمسک به اصل ۲۹ فانون اساسی است. هرچند در این اصل به صراحت اشاره‌ای به مجانین نشده است، اما میتوان از اصطلاح «از کارافتادگی»، چنین استنباط نمود که فردی که دچار جنون بوده و توانایی کار نیز ندارد، باید مورد حمایت قرار بگیرد. به‌طور کلی میتوان گفت مصادیقی که در اصل ۲۹ قانون اساسی بیان شده است، میتواند به عنوان حوادثی ناگوار شناخته شوند که همیاری جمعی را جهت جبران آثار آنها میطلبد. جنون که اصولاً توانایی فرد را از انجام کار و فعالیت درآمدزا باز میدارد، باید مورد حمایت جمعی قرار گرفته و در جایی که در اثر ایراد خسارت به دیگران فرد مجنون یا صغیر در معرض از دست دادن دارایی خویش قرار میگیرند، باید به یاری آنها شتافت. با وجود این، نباید قواعد مسئولیت مدنی موجود در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی را یکباره به کنار نهاد. درجایی که فعل زیانبار عرفاً به شخص دیگری قابل انتساب است، شخص خطاکار نمیتواند از بار مسئولیت بگریزد و باید به میزان مسئولیتش خسارت را پرداخت کند (حاجی عزیزی، بیژن؛ کریمی، بشری، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

گفتار چهارم- مسئولیت بدون تقصیر صغیر و مجنون

به طور کلی در مسئولیتهای بدون تقصیر اگر فاعل زیان مرتکب تقصیر شده باشد، زیان‌دیده برای مطالبه خسارت، دو راه پیشرو دارد: یا میتواند بدون اثبات تقصیر، انتساب زیان را به فاعل اثبات نموده و یا با اثبات تقصیر، جبران خسارت را مطالبه نماید. البته این در حالتی است که هر دو نوع مسئولیت مربوط به یک شخص باشد. اما در موردی که دو نوع مسئولیت (یکی بدون تقصیر و دیگری مبتنی بر تقصیر) به دو شخص منتسب باشند، به‌نظر مسئولیت مبتنی بر تقصیر مقدم است. برای مثال در مادهی ۱۲۱۶ قانون مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر محافظ در عدم مراقبت کافی، مقدم است بر مسئولیت بدون تقصیر صغیر. همچنین است در مادهی ۷ قانون مسئولیت مدنی (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۳۵۱). اتلاف به‌عنوان قاعده‌ای الگویی برای مسئولیت بدون تقصیر در بسیاری از آرای دیوان عالی کشور هم مدنظر قرار گرفته است که از آن جمله میتوان به آرای شعب ۱۰، ۱۸ و ۲۱ دیوان عالی کشور در سال ۱۳۷۲ اشاره نمود (بازگیر، ۱۳۸۷: ۳۴۷). به‌نظر میرسد در حقوق ایران بر خلاف انگلستان برای ایجاد تکلیف احتیاط و مراقبت لازم نیست شروطی در نظر گرفته شود. یعنی هر شخص را باید مکلف به رعایت احتیاط در برابر کل اجتماع شناخت و در این امر محدودیتی در نظر نگرفت. زیرا اولاً: قاعده لاضرر که مبنایی قابل توجه برای حقوق مسئولیت مدنی ایران محسوب میشود، چه از جهت مفاد حقوقی روایت و چه از جهت مفهوم «ضرر و ضرار» عمومیت و اطلاقی دارد که برای آن محدودیتی در نظر گرفته نشده است. ثانیاً: با توجه به ماده ۱ ق.م.م «هر شخص مکلف است...» ((دلیلی برای محدود نمودن تکالیف موجود دیده نمیشود. ثالثاً: تفسیر موسع از تکالیف موجود و مصرح در قوانین (حقوق مدنی) ایرادی ندارد (نوعی، ۱۳۹۱: ۱۱۳ و ۱۱۸).

گفتار پنجم - مسئولیت بدون تقصیر و مسئولیت ناشی از بی احتیاطی

شباهت‌های موجود بین این دو نوع مسئولیت چنان است که بسیاری حقوقدانان تمایل دارند بیشتر بر نقاط مشترک آنها تمرکز نمایند (گرهارد، ۱۹۹۰: ۳). زیرا در هر دو مسئولیت مذکور تلاش بر آن است که با تکیه بر اموری چون تغییر جهت دربار اثبات دعوی، فرض تقصیر و ... به نوعی زیان دیده مورد حمایت قرار گیرد و در بعضی حتی میتوان موضوعات مطروحه در یک حوزه را کاملاً منطبق با حوزه‌ی دیگر دانست، برای مثال مسئولیت دارنده‌ی حیوان به دلیل عدم نظارت کافی در نگهداری از آن (آلن کلنان، ۲۰۰۷: ۶۴) علیرغم شباهت‌های موجود، نباید از تفاوت‌ها غافل شد. مسئولیت بدون تقصیر اغلب مبتنی است بر اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی، درحالی‌که مسئولیت ناشی از بیاحتیاطی تکیه بر مراقبت و احتیاط دارد (هایلتون، ۲۰۰۳: ۲). علاوه بر این گستره‌ی مسئولیت‌های بدون تقصیر محدودتر و روشنتر است و برخلاف مسئولیت‌های ناشی از بی-احتیاطی تفاوت‌های درون دستهای در موضوعات آن بسیار کمتر است.

ساختار کلی قواعد مسئولیت مدنی ایران و انگلستان در ظاهر تفاوت‌هایی دارند. در حقوق انگلستان، برخلاف حقوق ایران، عمد و بیاحتیاطی دو موجب مستقل برای دعوی مسئولیت مدنی محسوب میشوند. با این وجود همانطور که بیان شد برخی اندیشمندان حقوق غرب نیز این دو مورد (عمد و بی احتیاطی) را تحت یک عنوان «مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر» در نظر گرفته‌اند. در مفهوم مسئولیت‌های بدون تقصیر هم تفاوت‌های بارزی بین حقوق ایران و انگلستان وجود نداشته و در هر دو نظام، بنا به مصالح اجتماعی، گاه اشخاص را بدون توجه به اینکه تقصیری مرتکب باشند یا خیر، مسئول خسارات ناشی از اعمالشان می‌شناسند. همین امور بر نزدیکی و شباهت دو نظام حقوقی صحه میگذارد و بیان میدارد که هرچند حقوق انگلستان نظامی کاملاً محسوب میشود و حقوق ایران را باید از نظام‌های سیویلایی دانست، اما مفهوم عدالت و جبران زیانهای ناروا در تمامی سیستم‌های حقوقی یکی است و تمام نظام‌های موجود برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش میکنند، حتی اگر در این طریق شیوه‌های یکسان و مشابهی را در پیش گرفته باشند (امینی، بی تا: ۶). علیرغم تفاوت‌هایی که در نظام حقوقی کامنلا و سیویلا و به تبع آن در حقوق انگلستان و ایران وجود دارد، شباهت‌های آنان در قواعد کلی مسئولیت مدنی اندک نیست و همانطور که مشاهده شد در حقوق هر دو کشور، مسئولیت مبتنی بر تقصیر به‌عنوان اصل پذیرفته شده و مسئولیت بدون تقصیر به صورت استثنایی و موردی مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود تفاوت‌هایی نیز در این زمینه به چشم می‌خورد که ریشه در نگاه متفاوت کامنلا و سیویلایی به حقوق دارد. در حقوق انگلستان اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر به صراحت و در قالب یک حکم کلی و عمومی مطرح نشده است و اصل و استثنایی بودن مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر را میتوان از بررسی موردی خطاهای مدنی یا قوانین موجود استخراج نمود. این در حالیست که در حقوق ایران مسئولیت مبتنی بر تقصیر در قالب یک حکم کلی و عمومی تحت‌عنوان تسبیب و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مطرح شده است و در مقابل، ائتلاف و قوانین خاص مربوطه نیز از وجود مسئولیت بدون تقصیر حکایت دارد (خادم رضوی، الیاس، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۲).

میتوان دعاوی مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان را بر اساس نوع منافع و حقوق پایمال شده (حقوق مالی، حقوق معنوی، حقوق مربوط به املاک، حقوق تجارت، حقوق خانوادگی...)، سبب ایجاد خسارت (عمد، بی احتیاطی، سوءنیت) یا نوع رابطه‌ی بین خواهان و خوانده (کارفرما و کارگر، تولیدکننده و مشتری، مالک و همسایه و ...) تقسیم کرد اما در هر صورت حقوق مسئولیت مدنی کاملاً بخصوص انگلستان از نوعی درهم‌ریختگی و تزلزل رنج میبرد زیرا از طرفی خطای مدنی بی‌احتیاطی وجود دارد که مبتنی بر قابلیت ملامت و سرزنش عمل شکل گرفته و از طرف دیگر خطاهای مدنی خاصی وجود دارند که ممکن است بر اساس نوع منفعت مورد حمایت، رابطه‌ی زیان‌دیده و واردکننده‌ی زیان و ... ایجاد شده باشند. یعنی خطاهای مدنی بر پای‌هی یک مبنای واحد شکل نگرفته‌اند. علاوه بر این، برخی از خطاهای مدنی به حکم قانون ایجاد شده‌اند و برخی دیگر ریشه در رویه‌ی قضایی کاملاً دارند که این تفاوت نیز از دیگر اموری است که به درهم ریختگی مزبور دامن می‌زند (همان، ص ۹۷ و ۹۸).

نتیجه‌گیری

مسئولیت محجورین بر مبنای نظریه تقصیر استوار نبوده، بلکه بر مبنای قاعده فقهی ضمان است که از احکام وضعیه می‌باشد. ماده هفت ق.م.م. به دلیل تعارضاتی که در درون خود دارد میبایست اصلاح شود، و لازمه آن ایجاد و اجباری کردن بیمه مسئولیت است. بیمه مسئولیت میتواند به عنوان ضمانت اجرایی عدم انجام تکالیف سرپرست مطرح گردد. اما مسئولیت مدنی با عوامل صغر و جنون رفع نمیگردد. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی به صراحت مسئولیت مدنی محجورین را پذیرفته است و در فقه امامیه هم بلوغ و عقل در احکام تکلیفی شرط است اما احکام وضعی شامل همگان است و صغیر و مجنون هم مستثنی از آن نیستند. در قوانین ایران، صغار و مجانین دارای مسئولیت به جبران خسارت وارده میباشند و باید از اموال و داراییهای آنان پرداخته شود ولی در صورتیکه سرپرست مرتکب تقصیر گردد، مسئولیت جبران با وی است. در نظام حقوقی انگلستان اصلترین نظریه، مسئولیت مدنی ناشی از بی احتیاطی است اما در این نظریه فرد در مقابل همه مکلف و موظف به مراقبت از رفتار خود نیست در نتیجه آثار بسیار متفاوتی بر آن بار میشود، اول آنکه باید بین فرد زیان‌زننده و زیان‌دیده نوعی رابطه و قرابت وجود داشته باشد دوم فعل ارتكابی از جمله افعال و رفتاری باشد که قابل پیشبینی بوده و نهایتاً شرط به مراقبت باید متعارف و منصفانه بوده و دست قاضی با توجه به شرایط و مصالح باز باشد.

منابع و مراجع

- امینی، ع؛ محمدی نژاد، س (۱۳۹۱). "نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن لا"، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸، ص ۶.
- امینی، عیسی؛ نوعی، الیاس (بی‌تا). قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، بی تا، ۶.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۵۲۵.
- بازگیر، یدالله (۱۳۸۷). قانون مدنی در آینه آرای دیوان عالی کشور (سقوط تعهدات، ضمان، چاپ دوم، تهران، فردوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۷.
- برومند، بهاره (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی صغار و مجانین در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و تعارض آن با ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳.
- پرون، بهروز (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی سرپرست صغیر و مجنون، فصلنامه علمی پژوهشی قانون یار، شماره هفتم، ۱۵.
- پیروزی، س؛ پیمان، ش (۱۳۹۲). "مسئولیت مدنی بیمارستانها"، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۲۲، ص ۳۲-۱۷، همان، ص ۲۲.
- حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۸۰). شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی و کارایی آن ها، دکتر حسینقلی حسینی نژاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۵۱.
- حاجی عزیزی، بیژن؛ کریمی، بشری (۱۳۹۴). تردید در مسئولیت مدنی محجورین مطلق با رویکردی فقهی، فصل نامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره نخست، ۱۳۹۴، ص ۱۳.
- خادم رضوی، قاسم؛ نوعی، الیاس (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان، آموزه های حقوقی گواه، شماره ۱، صص ۸۱- خورشید، علی (۱۳۸۷). حمد مبنا و اساس مسئولیت مدنی و سابقه تاریخ آن، مجله کانون وکلا، شماره ۷۴، ۱۳۸۷، ص ۱۴.
- رضاپور، سارا (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی مجانین در حقوق ایران. سایت جامعه مجازی حقوقدانان، ص ۱۲.
- سپهوند، امیر (۱۳۵۳). مسئولیت مدنی مجله کانون وکلا، نشریه شماره ۱۲۹-۱۲۸ پاییز و زمستان ۱۳۵۳، ص ۳۶.
- شهید اول، (۱۳۷۲ق). "القواعد و الفوائد"، ترجمه مهدی صانعی، جلد دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۱۶.
- صفایی، حسین (۱۳۷۵). «مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان آور صغیر و مجنون» در: مقالاتی درباره حقوق مدنی و و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۴۰.
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران، میزان، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱.
- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی شخص غیر ممیزه، فصلنامه دی دگاه های حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی، سال اول شماره اول و دوم، ۱۳۸۸، ص ۴۶.
- قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۴۷). حقوق تعهدات، ج ۱، چاپ تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۱۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲). حقوق خانواده، ج ۲، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۲، ش ۴۱۰ ص ۱۲۴.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۵). تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحجر، چ دوم، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۱۳۶۵

میرزایی، ل (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی محجورین و سرپرستانشان در حقوق ایران"، اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری)، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، ص ۴۳.

نوعی، الیاس (۱۳۹۱). تکلیف مراقبت (و احتیاط) در حقوق ایران و انگلستان، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳ و ۱۱۸.

Calnan, Alan (2009). *Duty and Integrity in Tort Law*, 1 st ed., North Carolina, Carolina Academic Press, P 36.

Simons, William (2002). *Private and Civil Law in the; 24. of Germany, the US and Russia*. P 121